

## منهای سینما

● در نظر سنجی جدید سیمادرباره پربیننده ترین برنامه های صداوسیما «عصر جدید ۲» در شبکه سه در رده اول، «دوره می» در شبکه نسیم در رده دوم و بعد از آن تکرار «خندوانه» و «کودک شو»، مستند حیات وحش در شبکه مستند، «به خانه برمی گردیم»، «سمت خدا»، «بچه محل»، «دستپخت» و «طییب» به ترتیب در رتبه های بعدی برنامه های پرمخاطب سیماد قرار گرفتند. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، شبکه های نسیم و سه هم هر کدام با داشتن سه برنامهدر میان «برنامه پرمخاطب سیماد» توانسته اند پرمخاطب ترین شبکه های صداوسیما شوند. □

● پایگاه کودک ایران صدا به مناسبت روز ادبیات کودکان و نوجوانان زندگینامه مهدی آذریزدی را در قالب کتاب گویش مشاهیر ایران و جهان منتشر کرد. نویسنده و تهیه کننده این زندگینامه گویش به عهده آسیه حیدری شاهی سرایی بوده و اشکان صادقی آن را روایت کرده است. مهدی آذریزدی اولین نویسنده ای است که در ایران به فکر نوشتن داستان برای کودکان و نوجوانان افتاد. به همین دلیل است که عنوان پند ادبیات کودک و نوجوان ایران را به او داده اند. همچنین به خاطر آثار ارزشمند او در حوزه کتاب کودک، روز درگذشت او به نام روز ملی ادبیات کودک و نوجوان نام گذاری شده است. □

## روی خط سینما

● مارتین اسکورسیزی، کارگردان افسانه ای دنیای سینما که علاوه بر فیلم های سینمایی اش دغدغه تحقیق و مستندسازی در زمینه تاریخ سینما و موسیقی را نیز دارد، مستند تازه اش را درباره یک موزیسین راکی می سازد. کافه سینما در این زمینه گزارش داده که این مستند درباره دیوید جوهانسن از گروه «نیویورک دالز» خواهد بود. اسکورسیزی در کارنامه پنجاه ساله اش مستندهای راکی فراوانی ساخته است که از آن میان می توان به «آخرین والس» درباره رابی رابرتسون و نیز مستندهای درباره گروه بدند، رولینگ استونز، باب دیلن و جرج هریسون اشاره کرد. اسکورسیزی همچنین سال هاست در تدارک ساخت یک فیلم سینمایی درباره زندگی فرانک سیناترا است که البته هنوز به نتیجه نرسیده است. □

● در حالی که قرار بود اکران فیلم «پیشی میشی» به کارگردانی حسین قناعت از بیست و پنجم تیرماه آغاز شود، تهیه کننده این فیلم، انصراف خود را از اکران اعلام کرد. احمدی دربارۀ دلایل این انصراف گفت: «اما تصور می کردیم زیرساخت های لازم برای اکران آماده است، کرونا هم فروکش کرده و همه سینماها باز خواهند شد، اما با گذشتن دوباره کرونا و تعطیلی دوباره سینماها به خصوص در شهرستان ها چاره ای جز انصراف از اکران نداریم، به خصوص که پیشی میشی یک فیلم مستقل است که بدون هرگونه کمک و وام دولتی ساخته شده است و به عنوان بخش خصوصی، اکران فیلم در این شرایط می تواند به نایبوی آن منبشود. □

● فستیوال فیلم ونیز ۲۰۲۰ طبق برنامه از دوم تا دوازدهم سپتامبر آینده برگزار خواهد شد و نزدیک به ۵۰ فیلم به نمایش در خواهند آمد. «آرتور و برابرا» دبیر هنری جشنواره اعلام کرده است که در این دوره نزدیک به ۲۰ فیلم بلند در بخش اصلی رقابت می کنند و ۳۰ فیلم باقی مانده در بخش «افق ها» که عناوینی خاص تر را شامل می شود، افتتاح خواهند شد. «کیت بلانتشت» نیز امسال ریاست هیأت داوران را برعهده می گیرد. فهرست کامل فیلم های پذیرفته شده ونیز ۲۰۲۰ در هفته های آینده منتشر خواهد شد. □

● بعد از تعویق اولیه سی و نهمین جشنواره فیلم استانبول که بنا بود از بیست و دوم فورین تادوم اردیبهشت برگزار شود (با حضور چند فیلم ایرانی مانند «آغذپاره ها» ساخته بهزاد نعلبندی و «متری شیش ونیم» سعید روستایی)، مسئولان جشنواره به جای آن، ۱۵ فیلم را در ماه می و ۱۵ فیلم را در ماه ژوئن به نمایش در آورند؛ حال در روزهای اخیر اعلام شده که بخش مسابقه فیلم های بلند و کوتاه جشنواره استانبول همزمان به صورت فیزیکی و آنلاین از بیست و هفتم تیر تا هفتم مرداد برگزار خواهد شد. گفته می شود در بخش فیلم های کوتاه، فیلم «۱۷ دقیقه ای» از ائران «ساخته فرزند صد می و علی عسگری به عنوان محصول ترکیه حضور دارد. بخش بین المللی جشنواره استانبول هم از هفتم تا بیست و هشتم برگزار خواهد شد. □

● مرکز ملی فیلم بلغارستان مبلغ ۲ میلیون یوروبرای حمایت از تولید فیلم اختصاص داد. فیلم برای تولید و فیلم برای مرحله گسترش فیلمنامه از این حمایت بهره مند شده اند. مبلغ ۹۴۳ هزار یوروبرای تولید و فیلم با بودجه بالا هزینه شده و سه فیلم با بودجه پایین هم مبلغ ۱۳۰ هزار یورو دریافت می کنند. یک فیلم اولی هم مبلغ ۲۱ هزار یورو بودجه گرفته است. □

## دیالوگ

محسن کیایی، بازیگر هم گناه: «هر کسی به دنبال این است که کار خوب بسازد، چه دوستانی که کار می سازند و خوب از آب در نمی آید چه ما که کار ساخته ایم و برخی معتقدند که خوب از آب در آمده، همه در تلاشیم خروجی کار خوب باشد. با این حال به نظر خود ما خیلی برای این خروجی تلاش کردیم، چون واقعا برای فیلمنامه، قصه و انتخاب بازیگر زمان گذاشیم که نتیجه اش را هم می بینیم. به نظر نوعی بی اعتمادی به سریال های نمایش خانگی به وجود آمده بود، البته من نمی گویم ما مدیم تا شب که نمایش خانگی رانجات دهیم، اما به نظر من می شود کار نزدیک به استاندارد ساخت. □

علی سرتیپی، تهیه کننده: «با افزایش آمار مبتلایان به کرونا قاعدا وضع سینماها مناسب نیست، در حالی که در روزهای ابتدایی بازگشایی شرایط بهتر بود. الان هم گاهی توصیه هایی برای نرفتن به سینماها گفته می شود، اما واقعیت این است که سینما با توجه به فاصله گذاری و پروتکل هایی که در آن رعایت می شود، نسبت به خیلی از مکان های دیگر امن تر است. با وجود این نمی توان مردم را مجبور یا حتی تشویق کرد تا به سینما بروند. بنابراین این پلتفرم به فضای عمومی جامعه به نظر من از نظر اکران فیلم های جدید برای صاحبان فیلم ها مناسب نیست و شورای صنفی نمایش باید در برنامه اعلام شده بازیگری کند. □

محمود کلاری، مدیر فیلمبرداری: «اکران آنلاین فیلم ها بیشتر یک فعالیت فرهنگی است و نه اقتصادی، اما مخاطبان این آثار نیز باید با برخورد منصفانه از دیدن غیر قانونی و دزدکی فیلم ها خودداری کنند. این انصاف هم یک اتفاق فرهنگی است، نه اقتصادی و رونق فضای فرهنگی هم با حمایت مخاطبان ارتباط مستقیم دارد، پس خوب است که منصفانه برخورد کنیم. □

## پاسخ نوید محمدزاده به انتقادات در مورد حضورش در تبلیغات

نوید محمدزاده در واکنش به انتقادهایی که در روزهای اخیر درباره کارهای تبلیغاتی اش منتشر شده است، این انتقادات را نتیجه موفقیتش می داند: «خدا مرا دوست دارد که هر کاری می کنم این قدر راجع به آن حرف زده می شود. وگرنه این همه آدم دارند تبلیغات می کنند. همین عطر من را افراد دیگر هم بیرون دادند، هیچ حرفی زده نشد.» محمدزاده با فریدون جیرانی حرف می زند، دلیل انتقادات منتشر شده را خود کم بینی مخاطبان عنوان می کند: «جهان سوم یعنی اینکه وقتی خارجی ها می گویند به به، ما داخل ها اما اجازه اش را نداریم، اگر من بازیگری باشم که جسور باشم و به لحاظ فیزیکیال بخواهم یک کار تازه بکنم، می گویند نباید این کار را بکنی ولی همان اتفاق را در فیلم های آن طرف ببینند، می گویند دیدی چقدر بی نظیر بازی کرد!»

به باور نوید محمدزاده «تبلیغات تأثیر بهتری می گذارد، تا انتخاب های بهتر کنیم و با خیال راحت و بدون دغدغه مالی کار کنیم. وقتی سنت می رود بالا باید حواست باشد که خود را به هر جایی نفروشی. من کاری کردم که ابروت دنیو هم انجام داده است. الان می گویند تو رو چه به دنیو؟ جهان سوم یعنی همین! که ما هیچ وقت خودمان را فدای تو نمی توانیم ببینیم. اجازه نمی دهند که دفاع آخر بازیگر متری شیش ونیم و سرخپوست: «کسانی که تقدیمی کنند تعریف هم بکنند. وقتی چند ماه پیش برای کار محمد مساوات اسمم را روی پوستم زدنیم تا به خاطر اسم من کار را ببینند و با ماسک رفتم نقش یک پیرزن ۴ میلیون تومان دستمزد گرفتیم، چرا درباره این صحبت نمی کنند؟ چرا فقط دنبال این هستیم که آدم ها را بگویند! □



## تجربه های عینی از کار در دوران کرونا در گفت و گو با چهار مستندساز

# سکوت شهرها پشت دالان های مرگ

«نیره خادمی» دو جوان چینی در ماه های اوج گیری کرونا برای ساخت مستندی وارد ووهان چین شدند، اما ویروس آنها را مبتلا کرد، بنابراین به جای گردش در ووهان و پیدا کردن سوزه قرنطینه شدند و فیلم شان به مراحل ابتلا و درمان خودشان اختصاص پیدا کرد. سروصدای شیوع کرونا و حاشیه های این بیماری آن وقت ها در ایران از دور شنیده می شد و بسیاری از مستندسازان ایرانی با خود ویرا پردازی می کردند که کاش می شد برای ساخت مستند درباره این بیماری به چین بروند. محسن خان جهانی، رئیس دهمین جشن مستقل سینمای مستند یکی از همین افراد است که اصلا تصور نمی کرد چند روز پس از دیدن فیلم مستند آن دو جوان چینی و گذشتن این فکر از سرش که «باید تلاش کنم به چین بروم»، پای کرونا به ایران باز شود و قرنطینه و وضع قرمز و او پشت به دروازه های مرگ، تصویر و صدای سکوت تهران و بسیاری از نقاط کشور را ثبت کند. او حالا در روزهای که یک هفته از پایان یافتن مستندش می گذرد، به همراه مستندسازان جوان دیگری چون مهدی قربانپور، جواد یغموری و مهدی امینی با یوکان کثیریان از طریق صفحه مجازی خانه هنرمندان ایران به گفت و گو نشست تا درباره تجربه هایشان از آن روزهای بحرانی بگویند.

### روزهای عجیب شهر

هر کدام تجربه های تلخ و بی بدیلی دارند. تجربه هایی که شاید در این مدت بارها در باره شان گزارش نوشته شده است، اما جز آن تجربه ها، کرونا یک وجه دیگر هم داشته است. شاید دیگر هیچ وقت فرصت دیدن روزهای خلوت شهر شلوغ و آلوده تهران پیش نیاید، طوری که بشود ساعت ها بدون پلیس و مأمور عرض خیابان ها را با سه پایه و دوربین تسخیر کرد و از صدای سکوت، فیلم گرفت. فرصتی که پیش آمد و محسن خان جهانی، مستندساز است که تا به حال بیش از ۱۰ مستند را جلوی دوربین برده است، از آن استفاده کرد و «ای. بی. سی. دی» را کلید زد. «فکر کردم دیگر ممکن نیست این لحظات تهران تکرار شود و در صورت ثبت آن چیزی باقی می ماند که شاید فراموش شود؛ خلوتی خیابان و لیغص، سکوت و سکون فرودگاه، مغازه ها و ادارات تعطیل. میلیاردها تومان هم پول خرج می کردید نمی توانستید شهر را این طور خلوت کنید. این اتفاق به خاطر یک بیماری افتاده بود و باید برای آیندگان ثبت می شد. راه آهن، بهشت زهرا، همه جابر از سکوت بود. فیلم او ویرا وایت همان خبرنگاری آغاز می شود که برای نخستین بار از شیوع کرونا در ایران خبر داد. اما کسی به حرف هایش اهمیت نداد و در هفته آخر بهمن ماه کلید خورد. «نمی دانستم کار چطور پیش می رود، اما می دانستم درباره بحرانی جهانی و نوظهور است. هنوز هم هر چه جلوتر می روم، اتفاقات جدیدی درباره اش می افتد. فاجعه ای که شناختی در برابر آن نداشتیم و نداریم. آن روزها البته کرونا که چک تراز ترس مردم بود و حالا کرونا بزرگ تر شده و ترس مردم کوچک تر. همان زمان، خیلی هادنیال روایت های بیمارستانی رفتند من می خواستم حل مسائل اجتماعی، متفاوت تر و خارج از بیمارستان باشد. روزهای صحنه های عجیب، وقتی می خواستید از شهر خارج شوید و پلیس از شما بزرگه خروج از شهر می خواست، برای نخستین بار همه چیز مثل حکومت نظامی بود.» خان جهانی می گوید که فیلمش را درباره تأثیرات کرونا و قرنطینه در جامعه ساخته است و البته فقط اتفاقات غمگین نیست و نکته های طنزی هم دارد: «مثلا فرد معتادی که با این جمله اش «معتادها کرونا نمی گیرن» معروف شد یا صحبت های رئیس جمهوری که گفته بود «از شبیه کرونا می رود و همه چیز عادی می شود.» کرونا مریضی دیگری هم به وجود آورد و حالا اگر به بهشت زهرا مراجعه کنید، خانواده هایی را می بینید که بستگان خود را از دست داده اند و در این غم باقی مانده اند. انگار به رفتگان شان بدهکارند که چرا نتوانسته اند برایشان خیرات بدهند یا مراسم ختم برگزار کنند. عروس و دامادی را می شناسم که در همین سه روز پیش برای چهارم بار متوالی مراسم ازدواج خود را عقب انداخته اند. دیدن تصاویر ثبت شده این روزها در آینده، شاید بد یا خوب باشد، اما یاد آور دورانی از تاریخ است که کمتر دیده شده است. «و نام فیلم را بر اساس حروف الفبای انگلیسی و البته مخفف کووید گذاشته، چرا که معتقد است الفبای زندگی بعد از این ایام تغییر خواهد کرد و کرونا الفبای جدیدی برای مردم جهان خواهد ساخت.» مهم ترین صحنه ای که دیدم تصویر فرودگاه خالی امام خمینی بود، برای گرفتن پلان هایی به راحتی زیر هواپیمای غول پیکری رفتیم، هواپیماهایی که همه زمینگیر شده بودند. «مستند «ای. بی. سی. دی» پس از پایان مراحل تولید حالا مراحل تدوین را پشت سر گذاشته است و با وجود داشتن تهیه کننده اما محصول مرکز گسترش سینمای مستند تجربی است.

### ماسک، نشان دادن عکس العمل های چهره ای را سخت کرد

مهدی قربانپور هم مستند «من کووید زمین» را از وضع کیش در نخستین روزهای شیوع کرونا در شهرهای ایران ساخته است: «روزهایی که همه فکرمی کردند کیش امن ترین نقطه کشور است و بسیاری برای در امان ماندن از این ویروس به آنجا سفر کرده اند. می گوید که از ابتدای حضورش در کیش یعنی از دوم بهمن ماه به بحث کرونا در آنجا هم مطرح بود و حاصل رفت و آمد چند ماهه اش در این جزیره، مستندی خودنگارانه است و مستند دیگری درباره کادر درمان و حواشی این بیماری در کیش.» او آخر بهمن به طور جدی تری با کرونا روبه رو شدیم و چند مورد فوتی هم وجود داشت، بنابراین در ابتدا کمی سخت بود، اما معتقد بودم که با رعایت پروتکل های بهداشتی می توانیم کار کنیم. کادر درمان هم حواس شان بود و مرتب تست ها و اسکن ریه برای گروه انجام می شد. ابتدا فکر می کردم مستندساز هم در چنین مواقعی جز محافظت از خود وظیفه دیگری ندارد، اما بعد به این رسیدم که ثبت چنین لحظه هایی وظیفه ما است. پس از دو هفته که نخستین مستند خودنگار را ساختم، به شخصیت دیگری رسیدم و فیلم دوم با محوریت یک کاراکتر دیگر که

از شهرهای جنوب به کیش مهاجرت کرده بود، شکل گرفت. او بعد از شیوع کرونا، کار خود را به راننده آمبولانس تغییر داده بود و تمام افراد مبتلا به کرونا و جنازه های متوفیان را جابه جا می کرد و با از خود گذشتگی در این راه خطرات زیادی را به جان خرید. «با استفاده از ماسک راه عنوان یکی از سختی های کار نام برد.» وجود ماسک روی صورت مردم باعث از دست دادن عکس العمل چهره ای و تأثیر آن در روابط بین فردی آنها در فیلم می شود. همرا شدن، به یک فرد و همزاد پنداری با او نیاز دارد که حتما صورت او را ببینید. دفن اجساد افرادی که بر اثر کرونا فوت کرده بودند هم اتفاق سختی بود، ضمن اینکه طبق پروتکل سازمان بهداشت جهانی اجازه تصویربرداری از آنها وجود ندارد. جنازه هادر عمق آتری زمین دفن می شوند و روی آنها آهک ریخته می شود که در یکی از همین موارد کیسه آهک پاره و مقداری آهک وارد ریه های همکاران ما شد و آنها دچار مشکل کرد. راننده آمبولانس که کاراکتر اصلی قصه بود و بیماران کرونا مثبتی و پیکرهایشان را جابه جا می کرد، باید شیشه ها را با انگه می داشت تا ویروس از محوطه ماشین خارج نشود. برای مستقر شدن گروه در ماشین هم باید چندین بار فضا ضد عفونی می شد و همین ماجرا اضطراب ما را افزایش می داد.» قربانپور هم مانند بسیاری از افرادی که مستقیما با این ماجرا روبه رو هستند، خاطرات تلخی دارد: «در جریان کرونا اگر کسی در شهر دیگری فوت کند، اجازه خروج جنازه از آن منطقه داده نمی شود. یک معلم سی و هشت ساله کیلانی که گویا در شهر خودش بسیار معروف و محبوب بود، بر اثر کرونا در کیش فوت کرده بود و تمام ریزنی های ر انتقال جنازه اش به بن بست خورد. نکته دیگر این است که مادر همان روزهای نخست در بیمارستان با کودک دوازده ساله ای برخورد کردیم که به این بیماری مبتلا شده بود، در صورتی که به تازگی اخبار ابتلای کودکان را مطرح کرده اند.»

### تنهایی انسان امروز در قرنطینه

جواد یغموری و مهدی امینی هم به صورت مشترک فیلم تنگنای را در روزهای پرتلاهب شهری ساخته اند که اواخر بهمن ماه نخستین موارد ابتلا به کرونا در آن تأیید شد: «شهری که به قول خودشان آن روزها به شدت امنیتی بود، اما یکی، دو هفته پس از آغاز کار شرایط کمی برایشان بهتر شد. ایده شان کشمکش بین کادر خدمات درمانی با کرونا بود و در ادامه قصه شان با مستندهای ۱۰ دقیقه ای و دنبال کردن بعضی از شخصیت ها شکل گرفت.» در فیلمنامه بلندمان به تنهایی انسان امروز به واسطه قرنطینه رسیدیم. این اتفاق عواطف بسیاری از جمله بیماران و کادر درمان را تحت تأثیر قرار داد. در روزهای نخست ترس و تنهایی که جامعه را فرا گرفته بود، در کنار بیماری، جان بسیاری را گرفت. اما بعد کادرمانی و نیروهای جهادی آن را جبران کردند. بیمارانی که در انتظار همراهان خود بودند، اما این اتفاق نمی افتاد، بنابراین تنهایی را تشدید می کرد.» جواد یغموری درباره تجربه پزشکان از این بیماری توضیح داد: «آنها اواخر دی و اوایل بهمن بیمارانی با چنین علایمی داشتند، اما نمی دانستند با چه چیزی مواجه هستند.» خاطرات تلخ زیادی دارند، مثل آن وقتی که حین مصاحبه با یکی از نیروهای خدماتی متوجه شدند همکار او فوت کرده است: «لحظه های تکان دهنده ای بود و در کنار همه اینها تعداد کمی از افراد به عنوان پزشک یا نیروهای خدماتی هم بودند که روزهای نخست رفتند، اما آنهاپی که ماندند واقعا پایمردی کردند؛ مثل پزشکی که در همان بیمارستان بیمار شد و در حین بستری، همزمان بیماران را ویزیت می کرد یا مثلا نیروهای جهادی که بدون هیچ چشمداشت و تریبونی، خود را در معرض خطر قرار دادند.» جواد یغموری و مهدی امینی از آن روزها دو کار ضبط کرده اند یکی تنگنای و دیگری نفس در قفس. «دومی مصاحبه محور است و با ۱۰۰ نفر مصاحبه کردیم. روزهای نخست هیچ کس از ما حمایت نکرد، حتی می ترسیدند سایل شان را به ما بدهند، بعد مرکز گسترش سینمای مستند از ما حمایت کرد.» مهدی امینی هم می گوید که در ظاهر بیمارستان لوکیشن ما است، اما در بطن آن اتفاقات تکان دهنده ای افتاده است: «آدم هازنده و در بیمارستان شدند، اما مبتلا شدند و از دنیا رفتند. یک لایه بیماری بود و در ادامه لایه های عمیق تر انسانی و عاطفی را درگیر می کرد. به قدری تعداد مرگ و میر بالا بود و جنازه ها در رفت و آمد بودند که من باز و بسته شدن درهای بیمارستان پشت هر بیماری را مثل یک دالان مرگ می دیدم.» او معتقد است که در کشوری به بحران نیست ایران باید سیاست گذاری برای به تصویر کشیدن بحران ها وجود داشته باشد و جای یک شکل رسمی برای سروسامان دادن و حمایت از آن خالی است. □